



اریک پوسنر؛ دونالد ترامپ به‌وضوح کینه‌توزی می‌کند، او خیلی‌ها را به باد فحش گرفته است؛ از‌جمله فرمانداران ایالتی، نمایندگان سنا، قاضی‌ای که اخیراً او را محکوم کرده است و نیز ملکه زیبایی سال ۲۰۱۴.
ا. به مطبوعات هم حمله کرده و گفته بود اگر رئیس‌جمهور شود، قوانین ضدافترا وضع می‌کند تا بتواند روزنامه‌هایی را که «تعمداً مقالات منفی، وحشتناک و دروغ» دربارهٔ او منتشر می‌کنند، تحت پیگرد قانونی قرار دهد. منتقدان آقای ترامپ از خود می‌پرسند آیا مردی با این مقدار ترس‌های برای پست ریاست‌جمهوری قابل اعتماد است. اما حامیان او، مانند سناتور جان مک‌کین و میچ مک‌کانل، رهبر اکثریت مجلس سنا، به ما اطمینان می‌دهند قانون اساسی ترامپ را محدود خواهد کرد. آقای مک‌کین در مصاحبه با نیویورک‌تایمز گفته است: «من همچنان متعقدم بر برخی نهادهای حکومتی هستم که اگر کسی بخواهد از چارچوب قانون اساسی تجاوز کند، او را مهار می‌کنند. ما کنگره را داریم. دادگاه عالی را داریم. ما رومانی^(۱) نیستیم.»

براساس اصل تفکیک قوا، قدرت بیسن رئیس‌جمهور، کنگره و سیستم قضایی تقسیم می‌شود. نظام حزبی، مطبوعات و سنت‌های سیاسی آمریکایی نیز می‌توانند قدرت رئیس‌جمهور را محدود کنند. اما این محدودیت‌ها عملاً چه معنایی خواهند داشت؟

بستگی دارد آقای ترامپ بخواهد چه کار کند. مسائل مورد تأکید او مهاجرت و تجارت است، او نمی‌تواند بدون حمایت کنگره، دیوار مکزیک را بسازد اما می‌تواند با صدور احکام مربوط به مهاجرت، مهاجران غیرقانونی را اخراج کند.

همچنین می‌تواند براساس قوانین موجود، ورود مسلمانان به کشور را ممنوع کند. این قوانین به رئیس‌جمهور اجازه می‌دهد نگذارَد آن دسته از اتباع خارجی که ورودشان به کشور از نظر او «برای منافع ایالات متحده زیان‌بخش خواهد بود»، وارد خاک این کشور شوند. در این صورت اولین بار نخواهد بود که چنین تصمیمی گرفته می‌شود. رئیس‌جمهور رونالد ریگان از این قانون تمجید کرده است، چه؛ براساس قدرتی که قانون اساسی به او داده بود، توانست سال ۱۹۸۱ جلوی سیل مهاجران اهل هائیتی را به خاک ایالات متحده ببرد.

آیا آقای ترامپ می‌تواند همان‌طور که تهدید کرده است، به اجبار برای چین تعرفه گمرکی وضع کند؟ بله! می‌تواند. کنگره به رئیس‌جمهور اختیار داده است در مقابل کشورهای بیگانه‌ای که دست به اقدامات تجاری غیرمنصفانه (مانند دامپینگ^(۲))

قوانین ایالات متحده، گوشه‌های نانوشتنه‌ای دارد که رؤسای جمهور از آن به نفع خود بهره می‌برند

از دست قانون چه کاری برمی‌آید؟



پیش از این اشاره کرده است به‌خاطر آنچه به‌زعم او اختلال آفرینی علیه تراست‌ها محسوب می‌شود، به فعالیت‌های سایت آمازون رسیدگی خواهد کرد. او می‌تواند به وزارت دادگستری دستور دهد آن دسته از جرائمی را که منتقدانش مرتکب شده‌اند، در اولویت قرار دهد تا به پرونده آنها زودتر رسیدگی شود. مخالفان سیاسی‌را می‌توان به‌دلیل نقض قانون مالی‌مرازات انتخاباتی متهم کرد. همچنین مقامات دولتی سابق، مثل هیلاری کلینتون را می‌توان به‌دلیل نقض قوانین حفظ اسرار، متهم کرد. حتی اگر اتهامات به سرانجام نرسد، پرداخت دستمزد وکلا برای متهمان سنگین خواهد بود.

آقای ترامپ همچنین می‌تواند قوانین حفظ اسرار فدرال را سخت‌گیرانه‌تر از رؤسای جمهوری پیشین به اجرا در آورد و با این کار از روزنامه‌نگاری که مسائل امنیتی ملی را گزارش می‌کنند، زهرچشم بگیرد. در زمان ریاست‌جمهوری او،اما آن دسته از کارمندان دولت که اسرار را فاش کرده بودند، تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند. به این دلیل انتقادات زیادی به او،اما شد. اما وزارت دادگستری علیه روزنامه‌نگاری که اطلاعات فاش‌شده را منتشر کرده بودند، اقدام دعوی نکرد.

پس آقای ترامپ چه کاری نمی‌تواند بکند؟ او نمی‌تواند مالیات خودش را کاهش یا افزایش دهد. او باید همان بودجه‌ای را خرج کند که کنگره تصویب کرده و برای همان کارهایی که کنگره مشخص کرده است. این چیزی است که او را در چارچوب نگه خواهد داشت، مگر اینکه برای مقصود خود مکزیک را تغصب کند یا به پول بدهد و آن سوی مرز آمریکا کارش را بکند.

او گفته است قاتلان مأموران پلیس را با فرمان قوه مجریه محکوم به اعدام خواهد کرد اما نمی‌تواند به این وعده عمل کند. هر کاری که بخواهد بکند، باید اول مطمئن شود دیدگاه‌هایش در چارچوب قوانین می‌گنجد. اگر به این پهنانه که تغییرات آ‌بوهوا صرفاً ساخته و پرداخته چین است، بخواهد از مقررات آ‌بوهوایی کنار بکشد، هیچ دادگاهی به او اجازه نمی‌دهد. ولی اگر بگوید مقررات آ‌بوهوایی بر مبنای ارزیابی فرضی از آسیب‌هایی شکل گرفته است که تا ۱۰۰ سال آینده رخ خواهند داد، می‌تواند موفق شود.

همه چیز تا حد زیادی بستگی دارد به اینکه آقای ترامپ چقدر بخواهد فهم موجود از قانون را با زور پیش ببرد. قوانین حاشیه پنهانی دارند که صراحتاً عنوان نشده ولی رؤسای جمهور باید از آن تبعیت کنند؛ اما دادگاه‌ها آن را تحمیل نمی‌کنند. آقای ترامپ می‌تواند نیروهای نظامی را بدون تصویب

کنگره به کشورهای خارجی بفرستد. دادگاه‌ها به احتمال زیاد وارد این نزاع نمی‌شوند. درباره پیشنهاد او در اوایل سال جاری مبنی بر کشتن خانواده تروریست‌ها چه می‌توان گفت؟ دادگاه‌ها طبق روال خود، در مسائلی که مربوط به فعالیت‌های نظامی خارج از کشور می‌شوند، در برابر تصمیم قوه مجریه تمکین می‌کنند. او شاید حتی تلاش کند بودجه‌های مصوب را در موارد تخصیص یافته خرج نکند یا آنها را بی‌اعتنا به خواسته کنگره بجا‌گذاند. پس صرف نظر از انتخابات آینده، چه چیزی بین ما و ترامپ افسار‌گسیخته فاصله می‌اندازد؟ سناتور مک‌کین و مک‌کانل می‌گویند کنگره ولی فقط حق وتوی اکثریت دو مجلس^(۳) می‌تواند آقای ترامپ را از اعمال اختیارات قانونی‌اش منصرف کند. این اختیارات را پیش از این کنگره به رئیس‌جمهور داده است. کنگره می‌تواند تهدید کند بودجه را نمی‌دهد اما حق رئیس‌جمهور برای وتو کردن قانون را در مناصب کردن مدیران دولتی به او برگ برنده بازرشی می‌دهد. عزل رئیس‌جمهور با اعلام جرم علیه او بندشد دشوار است. چنین چیزی هرگز رخ نخواهد داد.

دادگاه‌ها مانع دیگری هستند اما آنها باید عرف دبرین خود را لغو کنند؛ یعنی تمکین در برابر تصمیم رئیس‌جمهور در مسائل مربوط به امور خارجه و مقررات داخلی. برای مثال دادگاه عالی می‌تواند بر خلاف قانون اساسی، اعلام کند ورود مسلمانان ممنوع است اما نمی‌توان پیش‌بینی کرد آقای ترامپ چگونه واکنش نشان خواهد داد. پس از آنکه یکی از قاضی‌های فدرال گونزواو کوریل بنا به درخواستی که در منازعه طولانی مدت دانشگاه ترامپ مطرح شد، علیه ترامپ حکم صادر کرد، آقای ترامپ او را ادمی «بدعقل» و «مکزیک‌کی» نامید؛ حال آنکه قاضی کوریل، آمریکایی است.

بزرگ‌ترین مانع آقای ترامپ برای دستیابی به قدرت خواهد شد. اصل تفکیک قوا نیست؛ بلکه میلیون‌ها کارمند فدرالی هستند که باید برای او کار کنند. اکثر این کارمندان روحیه حرفه‌ای گری دارند و خودشان را وقف کارشان کرده‌اند. آنها به‌راحتی زیر بار دستورات مستبدانه بالادستی‌ها نمی‌روند. همان‌طور که رئیس‌جمهور «هری ترومن» قبل از ریاست‌جمهوری «دوایت آیزنهاور» گفته بود: «او اینجا خواهد نشست و خواهد گفت: این کار را بکنید! آن کار را نکنید! هیچ‌کدام هم انجام نخواهد شد.» برای اینکه کارها پیش برود، آقای ترامپ باید در سازمان‌ها به طر فدران دولت، مناصب مدیریتی بدهد اما برای چنین کاری نیاز به همکاری مجلس سنا دارد یا باید جسورانه حق رئیس‌جمهور برای

انتصاب در تعطیلات^(۴) را به کار گیرد. ترامپ می‌تواند طرفداران دولتش را در شاخه‌های اجرایی مناصب سیاسی و نیز در دادگاه‌ها منصوب کند. به‌علاوه مدیران انگشت‌شماری که با مقاصد سیاسی منصوب شده‌اند، بر حجم عظیم کارمندان دولت، کنترل محدودی خواهند داشت. این کارمندان اگر مخالف آن رؤسای بالادستی باشند، می‌توانند دستورات را تا تأخیر انجام دهند، اطلاعات را به مطبوعات لو دهند، تهدید به استعفا کنند یا شوهبه‌های دیگری به کار گیرند تا قدرت ابتکار عمل آقای ترامپ را تضعیف کنند. در ضمن به لطف حمایت‌های خدمات اجتماعی، اخراج این کارمندان نیز کار سختی است.

اما آقای ترامپ می‌تواند دوباره پیش بیفتد. او می‌تواند طرفداران دولت را فقط در شاخه‌های اجرایی مناصب سیاسی منصوب کند؛ بلکه در دادگاه‌ها نیز چنین کند. همچنین شاید بتواند آنها را در مناصب خدمات اجتماعی هم جذب کند. اگر وزارت دادگستری، آن دسته از مقامات شاخه اجرایی که قانون را نادیده می‌گیرند، تحت پیگرد قانونی قرار دهد، باز رئیس‌جمهور ترامپ راحل دیگری در استین خواهد داشت. مانند رئیس‌جمهور جورج بوش پدر که متهمان ماجرای مک‌فلارلین در سال ۱۹۹۲ از مجازات نجات داد، او می‌تواند با دستور عفو، همه آنها را نجات دهد.

• **اریک پوسنر (ERIC POSNER)** استاد دانشکده حقوق دانشگاه شیکاگو و یکی از نویسندگان «قوه‌مجریه بی‌قیدوبنده، بعد از جمهوری مبدیسونی».

پی‌نوشت:

۱- معروف است در زمان استقرار نظام کمونیستی بر رومانی که تا ۱۹۸۹ ادامه داشت، این کشور در زمره سرسخت‌ترین و دیکتاتوری‌ترین حکومت‌های کمونیستی بوده است.
۲- فروش کالا در کشور خارجی به‌یقینی کمتر از قیمت داخلی.
۳- کنگره آمریکا مشتمل بر دو مجلس است: سنا و مجلس نمایندگان. هر یک از این دو جداگانه تشکیل می‌شوند و به وظایف خاص خود می‌پردازند. این دو مجلس در یک روز مشخص، جلسه مشترک برگزار می‌کنند که به آن جلسه کنگره می‌گویند.
۴- انتصاب عضو ارشد فدرال در زمان تعطیلات مجلس نیازه به تأیید مجلس ندارد؛ در غیر از تعطیلات باید به تأیید مجلس برسد.

منبع: نیویورک تایمز
ترجمه: سوده هرمزان؛ ترجمان

ایران «ملایر» کرمانشاه، کرمانشاه- خسروی» حدود ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار برآورد هزینه کرده‌اند. به هر حال مساله کمبود اعتبار در حالی مطرح می‌شود که این روزها خبر اجرای پروژه‌هایی شش میلیاردی در کرمانشاه، کرمانشاه- خسروی» این پروژه را با بهترین کیفیت تا ۴ سال آینده‌احداث و تحویل بدهد. البته این شرکت از لحاظ اعتبار و قدرت سرمایه‌گذاری جزو ۵۰۰ شرکت موفق در دنیا است و طبق آخرین آمار منتشره رسمی هم‌کنون رتبه ۳۳۸ دنیا را دارد و هم‌کنون ۷۵ درصد توان مالی آن در بانک و بورس سرمایه‌گذاری شده و ۲۵ درصد باقیمانده نیز در امور اینچینی نظیر راه‌ان، مسکن، مترو و… سرمایه‌گذاری می‌شود. کارشناسان شرکت سیتینگ چین برای راه‌ان غرب

•**مدرس دانشگاه**



مقایسه تطبیقی آرای فقهی و رفتار سیاسی آیت‌الله منتظری
تضاد با خویش
حسن رحیم‌پور از غدی: البته اگر به معنای لغوی، نه اصلاحی «وکالت» که متضمن نوعی تعهد دوجانبه میان «ولی فقیه» و «مردم» و حاکی از حقوق و تکالیف متقابل است، نظر داشته باشیم، بحثی لفظی است. بنابراین در باب ولایت فقیه، آرای عمومی نه به مفهوم وکالت دادن یکطرفه و اذن مردم به یک فقیه برای حاکمیت است نه به معنی نیابت فقیه از ناحیه مردم است و نه حتی از این باب که مردم برای فقیه، احداث ولایت و سلطه مستقل کنند. زیرا اولی عقد نیست و دومی، عقد جائز است که مناسبتی با حکومت (که باید «لازم» و بادوام باشد) ندارد و سومی هم دلیلی بر جوازش نداریم. البته بدان معنی که مردم امارت به ولی فقیه واگذارده و اظهار اطاعت می‌کنند، می‌تواند نوعی وکالت (به معنی لغوی نه اصطلاحی و حقوقی) دانسته شود اما ماهیت «وکالت» ندارد و در صورت عدم نص، بیعت مردم با رهبر، نوعی «تعهد لازم» و غیرقابل تخلف است و مردم، حق نقض و پیمان‌شکنی ندارند حال آنکه اگر حکومت فقیه عادل، از باب «وکالت از ناحیه مردم» بود، مردم می‌توانستند هر وقت اراده کنند او را عزل کنند در حالی که چنین چیزی درست نیست و باید از حاکم صالح، پس از بیعت اطاعت کرد. و مردم و رهبر، هر دو باید شرعاً به تعهد خویش عمل کنند. درباره اتهام زدن به حاکم و تلاش برای بر کناری وی با حق شورش، آقای منتظری در پرهیز از قفلوت‌های عجزوانه علیه حاکم با انگیزه‌های مادی و جناحی و قدرت‌طلبانه در تلاش برای تضعیف یا تعویض و حذف رئیس نظام، احتیاط‌های بسیار به خرج داده و درباره اتهاماتی که به حکومت زده می‌شود، عکس‌العمل نشان می‌دهد.

در مجلس خبرگان، در مذاکرات مربوط به اصل «خلع رهبری» در صورت فقدان یکی از شرایط می‌پرسد: «من سؤاالم این است: اینکه می‌گویید «فقد یکی از شرایط»، اهمیت زننده چیست؟ اگر هر روز، یک نفر در روزنامه یا در مقاله‌های نوشت که این رهبر فاقد شرایط رهبری است آیا ما باید فوری مجلس خبرگان تشکیل دهیم یا میزان معینی باید داشته باشد؟» حتی وقتی آقای حجتی گرمایی می‌گویند: «برای اینکه اشکال آقای منتظری پیش نیاید، شورای نگهبان در اینجا دخالت دهید، یعنی شورای نگهبان تشخیص بدهد و خبرگان را برای این کار جمع کند»، آقای منتظری پاسخ می‌دهد: «هر روز برای هر غدی نباید مجلس خبرگان تشکیل شود».

ایشان در مباحث فقهی خود نیز معتقد بود که حتی به‌صرف وقوع چند خطا نمی‌توان حاکم را زیر سوال برد و باید حق خطا کردن را تا حدودی به رسمیت شناخت نه‌تنها خطا، بلکه حتی برخی گناهان جزئی را هم نمی‌توان به کلی منتفی دانست و به‌صرف وقوع خطا یا عصیان، علیه حکومت، شورش و نقض بیعت کرد. مساله از سنخ کالای خریدنی نیست که اگر معیوب در آمد، براحتی حکم به پلطان بیعت کرد و کالا را تا به اصطلاح داد و معامله را بر هم زد. زیرا خطا و اشتباه و حتی گناه از افراد بشر سر می‌زند: «ذا الخطا و الاشباه و کذالعیسان مما یکنز وقعها فی افراد البشر و جواز نقض البیعه و التخلف عنها ینقض بوجوب تزلزل النظام و عدم قراره اصلا فلا یقاس بالمقام بما انا ظاهر التخلف فی المبیع ذاتا او وصفا كما اذا باع الشئی علی احد خل یمان انه خمر علی انه صحیح فبان بحیث یحکمون فیها بفساد البیع او الخیار فیه، فتامل». ایشان حتی جلوتر رفته در جای دیگری تصریح می‌کند که اگر کسانی احراز خلاف و انحراف در حکومت کنند، نمی‌توانند به سادگی و بدون لحاظ همه جوانب، نقض بیعت کنند. بویژه که ممکن است هر کس فردا چنین ادعایی کرده و به این پهنانه نظام اجتماعی را تضعیف و متزلزل کند و باعث هرج و مرج و بی‌قانونی شود. «هل لا یصیر تجویز هذا الامر وسیله لتخلف بعض الناس عن امامهم مستمسکا بهذا العنز فیلزم الهرج و المرج».

ایشان از این هم پیش‌تر فته و می‌گویند: حتی به‌صرف وقوع چند گناه جزئی یا چند ظلم کوچک در موردی خاص یا صدور دستوری که به گناه یا ظلم کوچک منجر شود، در صورتی که اصل جهت‌گیری نظام در مسیر درست و اسلامی باشد، باعث منعزل شدن رهبری نشده و حق شورش به مردم نمی‌دهد، اعم از اینکه آن معصیت جزئی در گفت‌وگو و محاورات یا امور شخصی رهبر اتفاق افتد یا در وظایف حکومتی و اجتماعی او (چه رسد به دیگر مقامات حکومتی که در مراتب پایین قرار دارند که شامل وزرا و کارگزاران و استانداران و… می‌شود). زیرا بدیهی است که حاکمان، معصوم نیستند و نیز چه بسا کاری به نظر مردم، معصیت و گناه و ظلم به شمار آید حال آنکه مسئولان برای آن عذر یا توضیحی داشته یا نظر دیگری دارند و با ناظر منتقد، موضوعاً یا حکماً اختلاف نظر دارند و به عبارت دیگر، موضوع اصلاً گناه و خیانت و ظلم نیست و معترضان اشتباه می‌کنند.

ادامه دارد